

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



مدرسه علمیه حضرت زینب (س) - امیدیه

تابستان ۱۴۰۰

من ذکبوه فیه رسول الله

ابعاد واقعه غدیر

۱. اثبات فضایل و ولایت امیرالمؤمنین (ع)

در روز غدیر، این حرکت عظیمی که طبق روایات متواتره، به وسیله نبی اکرم (ص) انجام شد، دارای ابعاد بود. البته یک بعد، فضیلت امیرالمؤمنین (ع) بود. مردم هم می دانستند و از نزدیک این فضایل را در آن بزرگوار مشاهده می کردند. پیامبر اکرم، و در واقع اراده الهی هم همان فضایل و ارزش ها را معتبر دانست و بر اساس آن ارزش ها، ولایت و حاکمیت بعد از پیامبر را تعیین کرد. معلوم شد آن کسی می تواند در مرتبه حکومت بر مسلمین قرار بگیرد، که دارای آن ارزش ها باشد. لازم نبود که پیامبر اکرم (ص) فضایل امیرالمؤمنین (ع) را در آن روز بیان کند؛ مردم می دانستند.

«ابن ابی الحدید» می گوید: فضایل علی بن ابی طالب به طوری که در آن روز برای مردم واضح بود که بعد از رحلت پیامبر، احدی از مهاجران و اغلب انصار شک نداشتند که مسئله خلافت بر علی قرار خواهد گرفت؛ یعنی در نظر آنان جزء مسلمات بود. در موارد دیگر، خود رسول اکرم هم راجع به امیرالمؤمنین چیزهای زیادی فرموده است.

آنچه از طریق ما شیعیان و نیز از طریق اهل سنت روایت شده، متواتر است. خیلی از فضایل را به شکل متواتر، هم شیعه و هم سنی روایت کرده اند؛ مخصوص شیعه نیست. حتی یکی از ما مورخان قدیمی مشهور «ابن اسحاق» صاحب سیره معروف می گوید: پیامبر به امیرالمؤمنین فرمود: اگر بیم این را نداشتم که مردم در باب تو حرف هایی بزنند که پیروان عیسی درباره او زدند، چیزی را درباره تو می گفتم که هر جا عبور می کنی، مردم خاک زیر پای تو را به عنوان تبرک بردارند. این روایت شاید از طرق شیعه هم نقل شده باشد؛ من ندیده ام. «ابن ابی الحدید» از «ابن اسحاق» نقل می کند؛ یعنی کسانی که معتقد به نصب امیرالمؤمنین هم نیستند؛ اما این حرف ها را در فضایل آن حضرت دارند.

این، یک بعد واقعه غدیر است؛ یعنی امضاء و اثبات این فضایل و اینکه این فضایل و ارزش ها، به حکومت و به این ارزش قراردادی در جامعه اسلامی منتهی می شود. این بعد، بعد بسیار مهمی است و معلوم می شود. که این در اسلام، طبق دید پیامبر و وحی الهی، حکومت تابع ارزش هاست؛ تابع چیزهای دیگر نیست. این، خود یک اصل اسلامی است.

من ذکبوه فیه رسول الله

مسئله ولایت امیرالمؤمنین (ع)

یک بعد دیگر در قضیه و حدیث غدیر، همین مسئله ولایت است؛ یعنی تعبیر از حکومت به ولایت؛ «من کنت مولا فهدا علی مولا». آن وقتی که پیامبر (ص) در مقام تعیین حق حاکمیت برای یک شخص است، تعبیر مولا را برای او به کار می برد و ولایت او را به یک ولایت خود مقترن می کند. خود این مفهومی که در ولایت هست، بسیار حائز اهمیت است. یعنی اسلام، منهای همین مفهوم ولایت - که یک مفهوم مردمی و متوجه به جهت حقوق مردم و رعایت آنها و حفظ جانب انسان هاست - هیچ حاکمیتی را بر مردم نمی پذیرد و هیچ عنوان دیگری را در باب حکومت قائل نیست.

آن کسی که ولی و حاکم مردم است، یک سلطان نیست؛ یعنی عنوان حکومت، از بعد اقتدار و قدرت او بر تصرف ملاحظه نمی شود؛ از بعد این که او هر کاری که می خواهد، می تواند بکند، مورد توجه و رعایت نیست! بلکه از باب ولایت و سرپرستی او، و اینکه ولی مؤمنین یا ولی امور مسلمین است، این حق یا این شغل یا این سمت مورد توجه قرار می گیرد. قضیه حکومت در اسلام، از این جهت مورد توجه است.^۱

برداشت خدا پرده ز اسرار نهفت

بر دست نبی گل ولایت بشکفت

شد نور علی نور به ذکر صلوات

چون منزلت علی پیامبر می گفت

عید سعید غدیر خم مبارک باد

۱. حدیث ولایت، ج ۷، ص ۱۸۰

من كن بگو كه فداي من كند

اسلامی از سوی پیامبر مکرم اسلام (صلی‌الله‌علیه‌واله‌وسلم) یک حادثه‌ی بسیار بزرگ و پرمعناست؛ در حقیقت دخالت نبی مکرم در امر مدیریت جامعه است. معنای این حرکت که در روز هجدهم ذی‌الحجه سال دهم هجرت اتفاق افتاد، این است که اسلام به مسأله‌ی مدیریت جامعه به چشم اهمیت نگاه می‌کند.

این‌طور نیست که امر مدیریت در نظام اسلامی و جامعه‌ی اسلامی، رها و بی‌اعتنا باشد. علت هم این است که مدیریت یک جامعه، جزو اثرگذارترین مسائل جامعه است. تعیین امیرالمؤمنین هم - که مظهر تقوا و علم و شجاعت و فداکاری و عدل در میان صحابه‌ی پیغمبر است - ابعاد این مدیریت را روشن می‌کند. معلوم می‌شود آنچه از نظر اسلام در باب مدیریت جامعه اهمیت دارد، اینهاست. کسانی که امیرالمؤمنین را به جانشینی بلافضل هم قبول ندارند، در علم و زهد و تقوا و شجاعت آن بزرگوار و در فداکاری او برای حق و عدل، تردید ندارند؛ این مورد اتفاق همه‌ی مسلمین و همه‌ی کسانی است که امیرالمؤمنین (علیه‌الصلاة‌والسلام) را می‌شناسند. این نشان می‌دهد که جامعه‌ی اسلامی از نظر اسلام و پیغمبر، چه نوع مدیریت و زمامداری و حکومتی را باید به عنوان هدف مطلوب دنبال کند.^۱

عید غدیر، سنت ملی ماست

عید غدیر هم سنت ملی ماست؛ چون ملت ما دارای این عقیده و این محتوا و این هویت در ذهن خودش هست. یکی از کارهای دشمنان این است که ملتها را از هویت خالی کنند. البته این قضیه، داستان مفصلی است و با دو کلمه، نه می‌شود ابعادش را نشان داد و نه می‌شود خطرش را آن‌چنان که هست، گوشزد کرد. شما در محیط دانشجویی با این سیاست کلی که شناخته و ناشناخته و پیدا و پنهان وجود دارد، باید مبارزه کنید و مبانی ارزشی را - مبانی‌ای که حقیقتاً تشکیل‌دهنده‌ی هویت ملت ایران است و می‌تواند آنها را پیش ببرد و صاحب همه چیز کند - حفظ کنید.

۱. دیدار مردم پاکدشت، در سالروز عید سعید غدیر

10/11/1383 و 08/02/1382

من كن بگو كه فداي من كند

غدیر و انقلاب اسلامی ایران

شاید اکثر آن کسانی هم که در ماجرای بیعت امیرالمؤمنین علیه‌الصلاة‌والسلام، گرد آن بزرگوار را گرفتند و با او بیعت کردند و پای فشردند و فداکاری نمودند، واقعه‌ی غدیر و به طریق اولی ظهور اسلام و جنگهای امیرالمؤمنین را ندیده بودند. اما اسلام و هدایت و نور آن فقط برای کسانی نیست که در آن وقت حضور داشتند، بلکه برای همه و برای همیشه است: «و آخرین منم لما يلحقوا بهم». انقلاب اسلامی شروع یک راه پرافتخار و سعادت‌بخش بود. همه‌ی کسانی که از بی‌عدالتی رنج برده‌اند و تشنه‌ی عدالتند، این پدیده را به جان دوست دارند و برای آن تلاش می‌کنند. همه‌ی کسانی که سنگینی و فشار نظام دیکتاتوری و اختناق و زورگویی و قدرت فردی را احساس کرده یا درباره‌ی آن فکر کرده‌اند، از انقلاب اسلامی، از حرکت ملت مسلمان و از مبارزه‌ی فراگیر این ملت استقبال کرده‌اند و می‌کنند. مخصوص امروز نیست، در آینده هم همین‌طور خواهد بود.^۱

اوج مطلوب همه‌ی رسالت‌ها

امیرالمؤمنین علیه‌الصلاة‌والسلام در مقابله با خطرهای آن‌چنان شجاعانه عمل می‌کند که می‌گوید کسی نمی‌توانست با فتنه‌ای که من چشم آن را درآوردم - منظور، فتنه‌ی خوارج است - یا فتنه‌ی ناکثین درافتد. آن معنویت و دین و اخلاق و فضیلت از یک طرف، آن بینش عمیق و شجاعت و فداکاری و عواطف رقیق انسانی در کنار صلابت و استحکام معنوی و روحی از طرف دیگر؛ همه‌ی اینها ناشی از عصمت است؛ چون خدای متعال او را به مقام عصمت برگزیده است و گناه و اشتباه در کار او وجود ندارد. اگر چنین کسی در رأس جامعه باشد، اوج مطلوب همه‌ی رسالت‌هاست. این معنای غدیر است. در غدیر، چنین کاری اتفاق افتاد.^۲

۱. بیانات در دیدار مردم قم 19/10/1381

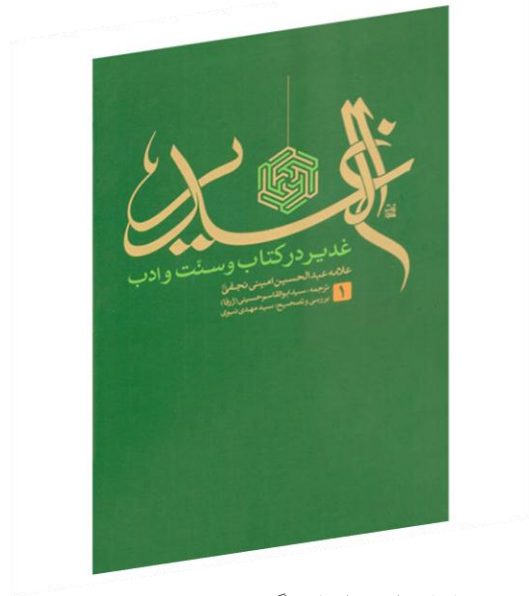
۲. اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی‌بن‌موسی‌الرضا علیه‌السلام

در روز عید سعید غدیر خم 12/12/1380

من كن بگو كه فداي من كند

کتاب الغدير

همین کتاب الغدیر هم به‌نظر من مهجور است. من به دوستانمان سفارش کردم الغدیر را که در آن صدها کتاب است - یعنی ایشان درباره‌ی موضوعات مختلف، مطالبی دارد. گاهی صد صفحه، هشتاد صفحه درباره‌ی یک شخص، یک مطلب، یا یک حدیث، مطلب دارد و یک نفر باید اینها را از اول الغدیر بخواند، تا به مطلب مورد نظر برسد و از آن استفاده کند. حالا کو آن آدمی که حوصله کند، یازده جلد کتاب الغدیر را بخواند و این‌گونه مطالب را بیرون بکشد؟! - مورد بررسی دقیق قرار دهند و موضوعات مختلف را دانه دانه بیرون بکشند؛ هر کدامشان یک کتاب، یا یک جزوه است. الغدیر هم - آن کاخ عظیمی که مرحوم امینی ساخته - به جای خود محفوظ؛ این کتابها هم دانه دانه بیاید و اقطار عالم را پر کند. یعنی الغدیر به صورت یک مجموعه، وجود داشته باشد، یک جا هم جزوه، جزوه وجود داشته باشد.^۱



۱. بیانات در دیدار اعضای ستاد فرهنگی غدیر

10/12/1378